

## توصیف ساختمان فعل در گویش کوه‌شهری (همراه با معرفی کاربرد گونه‌ای متفاوت از ساختمان فعل مجهول در این گویش)

\* نجمه دری

\*\* سید مهدی خیراندیش

\*\*\* زینب مریدی

### چکیده

این مقاله به توصیف ساختمان فعل در گویش کوه‌شهری می‌پردازد. منطقه‌ی کوه-شهری شامل چند روستا است، که در جنوب شرق شهرستان منوجان واقع شده‌است. این منطقه دارای سه گویش بنکی، تیابی و سرگرویی می‌باشد که تفاوت بسیار اندکی با هم دارند. در این مقاله شناسه‌های فعلی و جای قرار گرفتن آن‌ها، ستاک یا ماده‌ی فعل، صفت مفعولی و پیشوندهای فعلی در حوزه‌ی ساختمان فعل بررسی شده‌است؛ نتیجه بررسی‌های به دست آمده نشان می‌دهد که شناسه‌های فعل لازم با متعدی در این گویش متفاوت است. در ادامه صرف فعل در تمام صیغه‌ها در حوزه‌ی فرمول ساختمانی گروه-های مختلف فعلی (ساخت‌های مختلف فعل در سه زمان گذشته، حال و آینده)، ساختمان مجهول، عامل سببی و مصدر معرفی شده‌است. در این گویش فعل در تمام صیغه‌ها و زمان‌ها صرف می‌شود. هم‌چنین صورت صرف شده‌ی فعل در بعضی از زمان‌ها و ساخت‌ها ممکن است مشترک باشد. ساختمان مجهول در گویش کوه‌شهری با ساختمان این فعل در زبان معیار تفاوت دارد. از این رو مراحل مختلف ساخت و انواع معنایی آن در این گویش در فصل جداگانه‌ای در مقاله‌ی حاضر تحلیل و بررسی گردیده‌است.

**واژگان کلیدی:** کوه‌شهری، گویش، ساختمان فعل، صرف فعل، دستور زبان فارسی

---

\* استادیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه هرمزگان Email: dordori\_3415@yahoo.com

\*\* استادیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه پیام نور مرکز شیراز Email: kheirandish1960@yahoo.com

\*\*\* دانش‌آموخته‌ی کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه هرمزگان

تاریخ دریافت: ۱۳۹۱/۱۰/۲ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۲/۷/۴

## ۱. مقدمه

از آن جایی که برخی گویش‌ها در معرض خطر نابودی قرار دارند، مطالعه و بررسی ساختارهای مختلف به کار رفته در آن‌ها برای جلوگیری از نابودیشان بسیار ضروری به نظر می‌رسد. یکی از گویش‌هایی که در همین راستا نیاز به مطالعه و بررسی‌های دقیق علمی دارد گویش کوه‌شهری<sup>۳</sup> است؛ زیرا در سال‌های اخیر به علت ارتباط گسترده با شهرها و دیگر زبان‌ها و حاکمیت گویش معیار در مدارس و ادارات، در معرض تغییر و تحول فراوانی قرار گرفته است. سال خوردگان تنها کسانی هستند که هنوز صورت درست این گویش را به کار می‌برند؛ نسل جدید عموماً بی‌اعتنا و گاه تعمداً خواهان فراموشی آن هستند. مقاله‌ی حاضر تلاشی در جهت معرفی این گویش نسبتاً مهجور است که ساخت‌ها و کاربردهای بسیار متفاوت و متنوعی نسبت به زبان معیار در آن مشاهده می‌شود.

کوه‌شهری از توابع شهرستان منوجان، واقع در جنوب استان کرمان است که از سمت غرب و جنوب با استان هرمزگان و از شرق و شمال با شهرستان کهنوج هم‌مرز است. مساحت آن حدود ۵۲۵۵ کیلومتر مربع بوده که تقریباً ۲/۵ درصد از مساحت استان کرمان را شامل می‌شود.<sup>۴</sup> در منطقه‌ی کوه‌شهری گویش‌هایی از جمله: بنکی<sup>۵</sup>، تیابی<sup>۶</sup> و سرگرویی<sup>۷</sup> وجود دارد که اندکی با هم متفاوتند. در این مقاله، فعل درگویش عمومی روستاییان بررسی می‌شود.

---

۳- در کتاب فرهنگ جغرافیایی آبادی‌های استان کرمان (شهرستان منوجان) کوه‌شهری را نام دیگر روستای بنک عنوان کرده است، اما مردم به تمام روستاهای اطراف بنک - که از نظر آداب و رسوم و گویش مشترک هستند - کوه‌شهری می‌گویند

۴- فرهنگ جغرافیایی آبادی‌های استان کرمان (شهرستان منوجان)، سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح (تهران)، انتشارات سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح، ۱۳۸۲: ۱

در باره‌ی این گویش تا کنون تحقیقی صورت نگرفته است؛ اما در مورد منوجان پایان نامه کارشناسی (دوره‌ی ضمن خدمت فرهنگیان، مرکز خواجه نصیر) از وحید سالاری و گویش و رسوم مردم منوجان از وحید یزدان‌فر موجود است، که آن هم فقط به منوجان پرداخته است، و در بسیاری از موارد با منطقه‌ی کوه‌شهری تفاوت دارد؛ زیرا مردم منطقه‌ی کوه‌شهری به دلیل ارتباط فراوان با شهرستان میناب (از شهرستان‌های استان هرمزگان) و سکونت عمده‌ی مردم در این شهرستان گویشی بینابین (میناب و منوجان) دارند. کتابی نیز تألیف زمان صادقی وجود دارد که مربوط به گویش و آداب و رسوم شهرستان قلعه‌گنج از توابع منوجان است؛ هم‌چنین کتابی در شرح مقایسه‌ی گویش کهنوج و جیرفت از اسلام نیک نفس دهقانی موجود است. لازم به ذکر است که هیچ یک از این آثار به ساختارهای زبانی این گویش توجه نکرده‌اند. امید است مقاله‌ی حاضر بتواند توجه زبان‌شناسان را به جنبه‌های دیگر این گویش نظیر ساختمان اسم، جمله، کاربرد حروف ربط و اضافه و... جلب کند.

## ۲. فعل در گویش کوه‌شهری

در این مقاله به توصیف ساختمان فعل در پنج محور زیر پرداخته شده است:  
 ساختمان فعل، فرمول ساختمانی گروه‌های مختلف فعلی، ساختمان مجهول، عامل سببی و مصدر

### ۲.۱. ساختمان فعل

فعل در گویش کوه‌شهری دارای سه زمان است: گذشته، حال و آینده. ساختمان فعل در این گویش از عناصر دستوری خاصی تشکیل می‌شود که به ترتیب عبارتند از: شناسه‌های فعلی، ستاک (ماده‌ی فعل)، صفت مفعولی و پیشوندهای فعلی.

## ۱.۱.۲. شناسه‌های فعلی

شناسه‌های فعلی آن دسته از عناصری هستند که به صورت پسوند در ساختمان گروه فعلی وجود دارند و نوع فعل را از نظر "شخص" و "شمار" مشخص می‌کنند. افعال در گویش کوه‌شهری، مانند فارسی معیار، شش صیغه دارد که در همهی صورت-های فعلی به کار می‌روند. در این گویش، شناسه‌هایی که در ماضی و مضارع به کار می‌روند، عموماً در آخر ستاک فعل قرار می‌گیرند؛ مگر برخی از زمان‌ها در فعل مرکب که به جزء اول فعل متصل می‌شوند و با توجه به لازم، متعدی، ساده و مرکب بودن فعل، متفاوت هستند. دیگر آن که افعال حال اخباری، حال التزامی و حال مستمر دارای شناسه‌های مشترک هستند. آنچه این سه زمان را از یکدیگر متمایز می‌کند، "be" در اول فعل التزامی و "a?" در حال اخباری و حال مستمر است و راه تشخیص این دو زمان از یکدیگر وجود بن مضارع در حال اخباری و مصدر در حال مستمر می‌باشد:

شخص/شمار	حال اخباری	گذشته نقلی	حال التزامی	حال مستمر	گذشته ساده	گذشته استمراری	گذشته دور	گذشته التزامی	گذشته مستمر
۱- مفرد	-om	-om	-om	-om	-om	-om	-om	-om	-om
۲- مفرد	-i	-et	-i	-i	-et	-et	-et	-et	-et
۳- مفرد	-e	-eh	-e	-e	-eh	-eh	-eh	-e	-eh
۴- جمع	-in	-mo	-in	-in	-mo	-mo	-mo	-mo	-mo
۵- جمع	-ey	-to	-ey	-ey	-to	-to	-to	-to	-to
۶- جمع	-en	-šo	-en	-en	-šo	-šo	-šo	-šo	-šo

گذشته نقلی، گذشته‌ی ساده، گذشته‌ی استمراری، گذشته‌ی دور و گذشته‌ی مستمر، شناسه‌ها مانند یکدیگر به کار می‌روند. که راه تشخیص آن‌ها در پی خواهد آمد.

### ۲.۱.۲. ستاک یا ماده‌ی فعل

همه‌ی افعال در این گویش - به جز حال مستمر که با مصدر ساخته می‌شود- با یکی از دو ستاک "حال" یا "گذشته" ساخته می‌شوند. ستاک حال در ساخت زمان‌های زیر به کار می‌رود:

حال اخباری ، حال التزامی، فعل امر و آینده.

ستاک گذشته در ساخت زمان‌های زیر به کار می‌رود:

گذشته‌ی ساده، گذشته‌ی استمراری، گذشته‌ی التزامی، گذشته نقلی ، گذشته‌ی دور و گذشته‌ی مستمر.

### ۱.۲.۱.۲. فرمول ساختمانی ستاک گذشته

ستاک گذشته ← عنصر زمانی + ستاک حال.

به طور کلی عنصر زمانی ( علامت ستاک گذشته) در گویش کوه‌شهری به سه صورت نمود پیدا می‌کند.

الف: [t]

ستاک گذشته	+/t/	ستاک حال
ریخت (ریختن) /reyht /	/t/	/ reyzt /
رفت ( رفتن) /rowt/	/t/	/row/
سایید (ساییدن) /sovt/	/t/	/sov/
گرفت (گرفتن) /get /	/t/	/ge /

ب: [d]

ستاک حال	+/d/	ستاک گذشته
/bar/	/d/	/bord/ (بردن)
/xowr/	/d/	/xowrd/ (خوردن)
/šomor/	/d/	/somord/ (شمردن)
/mer/	/d/	/mord/ (مردن)

ج: [id]

ستاک حال	+/id/	ستاک گذشته
/baxš/	/id/	/baxšid/ (بخشیدن)
/jek/	/id/	/jekid/ (جکیدن)
/ters/	/id/	/tersid/ (ترسیدن)
/xar/	/id/	/xarid/ (خریدن)

نکته‌ی مهم این که از میان علائم ذکر شده /t/ دارای بسامد بالایی می‌باشد. از دیگر علائم کمتر استفاده می‌شود. موارد نادری نیز وجود دارد که از قواعد ذکر شده پیروی نمی‌کند، به عنوان نمونه ستاک گذشته‌ی فعل "آمدن" از قواعد ذکر شده پیروی نمی‌کند:

ستاک گذشته	ستاک حال
/yaht/	/â/

ستاک حال در این گویش هم چون ستاک زبان معیار به دو دسته تقسیم می‌شود:

الف: ستاک با قاعده:

مصدر فارسی معیار	کوه‌شهری	ستاک حال
بافتن	govten	gov
بوسیدن	čokiden	okč
جویدن	jovten	jov

ب: ستاک بی قاعده:

ستاک حال	مصدر کوه‌شهری	مصدر فارسی معیار
â	Yahten	آمدن
âr	Yâvorden	آوردن
geyz	Gesten	انداختن

### ۳.۱.۲. صفت مفعولی

صفت مفعولی در این گویش فقط در ساخت فعل مجهول سوم شخص مفرد و جمع و نیز در کاربرد فعل گذشته‌ی دور به کار می‌رود.

طرز ساخت صفت مفعولی به این صورت است: صفت مفعولی = (') + a + ستاک

گذشته

مصدر	ستاک گذشته	صفت مفعولی
xowrden	Xowrd	Xowrda
rasiden	Rasid	Rasida
košten	Košt	košta
morden	Mord	morda

در گویش کوه‌شهری گاهی به جای /a/ در ساخت صفت مفعولی بعضی از مصدرها از /g/ و ماقبل آن مصوت e استفاده می‌شود.

رسیده (مقابل کال) /rasideg/ سوخته /sohteg/

### ۴.۱.۲. پیشوندهای فعلی

در ساخت فعل کوه‌شهری دو نوع پیشوند وجود دارد: یکی پیشوندهای صرفی و دیگر پیشوندهای ثابت.

#### ۱. ۴.۱.۲. پیشوندهای صرفی

این پیشوندها تغییری در معنی ایجاد نمی‌کنند و برای ساختن وجه التزامی، وجه امری، نفی و نیز وجه اخباری (حال اخباری و مستمر و گذشته‌ی استمراری و مستمر) به کار می‌روند.

الف). پیشوند [be]: این پیشوند چه در ساخت حال التزامی و چه در ساخت امر، به سه شکل /bo/، /be/، /ba/ نمودار می‌شود:

مصدر	امر	حال التزامی
برگشتن	bargar	bargarom
خوردن	boxowr	boxowrom
زدن	bezan	bezanom

ب). پیشوند [a]: این پیشوند درست معادل "می" در زمان‌های حال اخباری، گذشته‌ی استمراری، گذشته‌ی مستمر، حال مستمر و آینده می‌باشد.

فارسی معیار	کوه‌شهری	فارسی معیار	کوه‌شهری
می‌بینم	?adinom	می‌دیدم	?adistom
داشتم می‌دیدم	?adistom	دارم می‌بینم	?adistenom
می‌خواهم ببینم	?awâtom bedinom		

گذشته‌ی استمراری و گذشته‌ی مستمر کاملاً مانند یک‌دیگر به کار می‌روند.

ج). پیشوند نفی: [nâ ، na] فعل نفی در گویش کوه‌شهری به دو صورت ساخته می‌شود:

۱. مانند زبان فارسی معیار عنصر نفی بدون در نظر گرفتن لازم یا متعدی بودن همیشه پیش از فعل اصلی می‌آید، اما در فعل‌های مجهول و آینده پیش از فعل معین قرار می‌گیرد:

فارسی معیار	کوه‌شهری	فارسی معیار	کوه‌شهری
نشستم	Naneštom	نمی‌خورم	nâxowrom



nâdistom	نمی‌دیدم	Nadistehom	ندیده‌ام
beram nâwâtom	نمی‌خواهم بروم	košta nabu/	کشته نشد

۲. این روش مخصوص بعضی از زمان‌های فعل متعدی و زمان آینده است و آن بدین صورت است که ضمایر فاعلی یعنی شناسه‌ها (šo , to ,mo ,h ,t ,m) بعد از عنصر نفی (nâ و na) اول فعل می‌آیند و بعد ریشه‌ی فعل آورده می‌شود. البته باید توجه داشت که ساخت فعل در این دو روش متفاوت است. قابل ذکر است که فعل-های متعدی به هر دو روش ساخته می‌شود.

کوه‌شهری	فارسی معیار	کوه‌شهری	فارسی معیار
nâmdi	نمی‌دیدم	Namxow	نخوردم
nâmwâ beram	نمی‌خواهم بروم	Namdiste	ندیده‌ام

د). پیشوند نهی: [ma و na] این پیشوند زمانی به کار می‌رود که بخواهند کسی را

از کاری منع کنند و به دو صورت نمودار می‌شود:

کوه‌شهری	فارسی معیار	کوه‌شهری	فارسی معیار
nabar	نبر	načok	نبوس
makan	مکن	maxow	مخور

#### ۲. ۴. ۱. ۲. پیشوندهای ثابت

عناصری هستند که با افعال مخصوصی آمده، با همهی ساخت‌های صرفی فعل به کار می‌روند. این دسته، طبقه‌ی دستوری بسته‌ای را تشکیل می‌دهند، که چند نمونه از آن‌ها ذکر می‌شود:

کوه‌شهری	فارسی معیار	کوه‌شهری	فارسی معیار
vordâden	انداختن	vorestâden	بلند شدن
vageten	گرفتن به زور	vareyhten	باز کردن (کاموا)

dargesten	بیرون کردن(اشیا و جانداران)	darrowten	فرار کردن
varyahten	عصبانی شدن	lardkerden	بیرون کردن(انسان)

### ۵.۱.۲. افعال کمکی

افعال کمکی wâhesten (?awât) به معنی خواه، فعل کمکی آینده، که در فرمول ساختمانی گروه‌های فعلی همیشه اولین جایگاه را پر می‌کنند.

کوه‌شهری	فارسی معیار
?awâtom beram	می‌خواهم بروم

### ۲.۲. فرمول ساختمانی گروه‌های مختلف فعلی

#### ۱.۲.۲. فرمول ساختمانی حال اخباری

زمان حال اخباری = شناسه‌های فعلی حال اخباری + ستاک حال + ?a

کوه‌شهری	فارسی معیار	کوه‌شهری	فارسی معیار
?adinin	می‌بینیم	?adinom	می‌بینم
?adiney	می‌بینید	?adini	می‌بینی
?adinen	می‌بینید	?adine	می‌بیند

نفی در حال اخباری با اضافه شدن /nâ/ به سر فعل مثبت ساخته می‌شود. نمی‌بینم:

nâdinom

#### ۲.۲.۲. فرمول ساختمانی حال التزامی

حال التزامی = شناسه‌های حال التزامی + ستاک حال + be

کوه‌شهری	فارسی معیار	کوه‌شهری	فارسی معیار
----------	-------------	----------	-------------

bedinin	بینیم	bedinom	بینم
bediney	بینید	Bedini	بینی
bedinen	بینند	bedine	بیند

نفی در فعل حال التزامی، با افزودن /na/ به فعل مثبت ساخته می‌شود. بینم:  
(nadinom)

### ۳.۲.۲. فرمول ساختمانی حال مستمر

حال مستمر = شناسه‌های فعلی + مصدر + a?

کوه‌شهری	فارسی معیار	کوه‌شهری	فارسی معیار
?adistenin	داریم می‌بینیم	?adistenom	دارم می‌بینم
?adisteneey	دارید می‌بینید	?adisteni	داری می‌بینی
?adistenen	دارند می‌بینند	?adistene	دارد می‌بیند

نفی در فعل حال مستمر، با افزودن /nâ/ به اول فعل ساخته می‌شود. دارم می‌بینم:  
(nâdistenom)

### ۴.۲.۲. فرمول ساختمانی گذشته‌ی ساده

گذشته‌ی ساده = شناسه‌های فعلی + ستاک گذشته

کوه‌شهری	فارسی معیار	کوه‌شهری	فارسی معیار
dismo	دیدیم	distom	دیدم
disto	دیدید	Distet	دیدیدی
disšo	دیدند	disteh	دیدند

برای ساختن نفی از گذشته‌ی ساده، باید تک واژ نفی /na/ را بر سر فعل مثبت بیاوریم یا ضمیر را بعد از عنصر نفی قرار دهیم:  
 ندیدم: namdi      ندیدم: nadistom

### ۵.۲.۲. فرمول ساختمانی گذشته‌ی استمراری

گذشته‌ی استمراری = شناسه‌های فعلی + ستاک گذشته + پیشوند ?a

فارسی معیار	کوه‌شهری	فارسی معیار	کوه‌شهری
می دیدم	?adistom	می دیدیم	?adismo
می دیدی	?adistet	می دیدید	?adisto
می دید	?adisteh	می دیدند	?adisšo

نفی در گذشته‌ی استمراری با افزودن /nâ/ به اول فعل مثبت یا افزودن ضمیر بعد از عنصر نفی ساخته می‌شود.

نمی دیدم: nâmdi      نمی دیدم: nâdistom

### ۶.۲.۲. فرمول ساختمانی گذشته نقلی

زمان گذشته نقلی = شناسه‌ها + ستاک گذشته

فارسی معیار	کوه‌شهری	فارسی معیار	کوه‌شهری
دیده‌ام	distehom	دیده‌ایم	distemo
دیده‌ای	distehet	دیده‌اید	disteto
دیده‌است	distehe	دیده‌اند	distešo

در کاربرد مفرد این زمان /h/ نمودار می‌شود و در تمام صیغه‌ها /e/ که به نوعی نشان دهنده‌ی سوم شخص مفرد یا گذشته نقلی است، دیده می‌شود. البته ناگفته نماند

که در صیغه‌ی اول شخص مفرد به جای /e/ از /o/ نیز استفاده می‌شود، مثلاً distohom به جای distehom.

نفی در فعل گذشته نقلی با اضافه کردن /na/ به سر فعل مثبت یا با افزودن ضمیر بعد از عنصر /na/ ساخته می‌شود.

ندیده‌ام: ( nadistehom )      ندیده‌ام: ( namdiste )

### ۷.۲.۲. فرمول ساختمانی گذشته‌ی دور

زمان گذشته‌ی دور = شناسه‌ها + میانوند ar + ستاک گذشته

فارسی معیار	کوه‌شهری	فارسی معیار	کوه‌شهری
دیده بودم	distarom	دیده بودیم	distamo
دیده بودی	distaret	دیده بودید	distato
دیده بود	distareh	دیده بودند	distašo

میانوند /ar/ در سه شخص مفرد نمودار می‌شود و در سه شخص جمع صفت مفعولی دیده می‌شود که با شناسه‌ها می‌آید.

نفی در گذشته‌ی دور با افزودن /na/ به اول فعل یا اضافه کردن ضمیر بعد از عنصر نفی ساخته می‌شود.

ندیده بودم: namdiste      ندیده بودم: nadistarom

### ۸.۲.۲. فرمول ساختمانی گذشته‌ی التزامی

گذشته‌ی التزامی = شناسه‌ها + ستاک گذشته

فارسی معیار	کوه‌شهری	فارسی معیار	کوه‌شهری
دیده باشیم	distehom	دیده باشیم	distemo
دیده باشی	distehet	دیده باشید	disteto

توصیف ساختمان فعل در گویش کوه‌شهری ... ۷۵

distešo	دیده باشند	distehe	دیده باشد
---------	------------	---------	-----------

نفی در گذشته‌ی التزامی با اضافه کردن /na/ به اول فعل یا افزودن ضمیر بعد از عنصر نفی ساخته می‌شود.

ندیده باشم: nadistehom      ندیده باشم: namdiste

### ۲-۲-۹- فرمول ساختمانی گذشته‌ی مستمر

گذشته‌ی مستمر = شناسه‌های فعلی + ستاک گذشته + پیشوند ?a

فارسی معیار	کوه‌شهری	فارسی معیار	کوه‌شهری
داشتیم می‌دیدیم	?adismo	داشتم می‌دیدم	?adistom
داشتید می‌دیدید	?adisto	داشتی می‌دید	?adistet
داشتند می‌دیدند	?adisšo	داشت می‌دید	?adisteh

نفی در گذشته‌ی مستمر با اضافه کردن /nâ/ به اول فعل یا افزودن ضمیر بعد از عنصر نفی ساخته می‌شود.      داشتم می‌دیدم: nâdistom      داشتم می‌دیدم: nâmdi

### ۲.۲.۱۰. فرمول ساختمانی فعل آینده

در این گویش برای ایجاد مفهوم آینده از صرف فعل حال التزامی + صرف فعل خواستن استفاده می‌شود:

آینده = حال التزامی + صرف فعل خواستن

فارسی معیار	کوه‌شهری	فارسی معیار	کوه‌شهری
می‌خواهم ببینم	?awâtom bedinom	می‌خواهیم ببینیم	?awâmo bedinin
می‌خواهی ببینی	?awâtet bedini	می‌خواهید ببینید	?awâto bediney
می‌خواهد ببیند	?awâteh bedine	می‌خواهند ببینند	?awâšo bedinen

نفی در فعل آینده با افزودن /nâ/ بر سر فعل کمکی یا با اضافه کردن ضمیر بعد از /nâ/ ساخته می‌شود.

نمی خواهم ببینم: nâwâtom bedinom نمی خواهم ببینم: nâmwâ bedinom

چند نکته قابل ذکر:

- گذشته‌ی مستمر و گذشته‌ی استمراری کاملاً مانند یک‌دیگر به کار می‌روند.

می دیدم: ?adistom داشتم می دیدم: ?adistom

- پیشوند /?a/ در حال اخباری، گذشته‌ی استمراری، گذشته‌ی مستمر و حال مستمر نمودار می‌شود.

- حال مستمر از مصدر ساخته می‌شود.

دیدن: disten دارم می‌بینم: ?adistenom

- گذشته‌ی التزامی و گذشته نقلی کاملاً مانند یک‌دیگر به کار می‌روند.

دیده باشم: distehom دیده‌ام: distehom

### ۱۱.۲.۲. فرمول ساختمانی فعل امر

فعل امر در گویش کوه‌شهری دارای دو صیغه است: دوم شخص مفرد و دوم شخص جمع؛ امر با اضافه کردن پیشوندهای bo و be و ba قبل از ستاک حال ساخته می‌شود.

فعل امر = ستاک حال + bo / be / ba.

فارسی	کوه‌شهری	فارسی	کوه‌شهری
برگرد	Bargar	برگردید	bargarey
بینداز	Begeyz	بیندازید	begezyey
بخور	boxow(r)	بخورید	boxowrey

برای ساختن امر منفی ( نهی ) ، پیشوند نفی /na/ بر ستاک حال می آید: نخور  
naxow(r)

### ۳.۲. فرمول ساختمانی فعل مجهول

دستور نویسان و زبان‌شناسان سه نوع ساخت دستوری خاص را به عنوان ساخت-های مجهول در نظر گرفته‌اند

۱. مجهول اصلی: نوع اول همان ساختار معروف (اسم مفعول+ شدن) است.
۲. مجهول غیر شخصی: نوع ساخت جمله‌های بدون فاعل با شناسه‌ی سوم شخص جمع است. مانند:

۱. او را کشتند (او کشته شد) ۲. ماشین را دزدیدند (ماشین دزدیده شد)  
باطنی این نوع ساخت‌ها را مجهول معنایی می‌نامد. (باطنی، ۱۳۸۶: ۱۳۶). اما طیب (۲۰۰۱) این جمله‌ها را مجهول دارای شخص ثابت می‌داند. کینون اشاره کرده‌است در زبان‌هایی که فاقد ساخت مجهول اصلی هستند، رایج‌ترین وسیله برای این نوع ساخت استفاده از جمله با فعل سوم شخص جمع است. او نیز مانند طیب این ساخت را غیر شخصی نامیده‌است، او این‌گونه دلیلش را بیان می‌کند که نشانه‌ی جمع به معنای اشاره به اشخاص معینی نیست. وی هم‌چنین می‌افزاید که این نوع ساخت در زبان‌هایی که دارای مجهول اصلی نیز هستند، دیده می‌شود و نمونه‌هایی را از زبان‌های عبری و روسی ذکر نموده است:

۳) včera ego ubili.

yesterday him Killed-

"دیروز او را کشتند."

۴) ganvu liet ha-mexonit

stole to me do the car

"ماشین مرا دزدیدند."



کینون این نوع جمله‌ها را مجهول می‌داند. (کینون، ۱۹۸۵: ۲۴۷). سونگ (۲۰۰۱) نیز به این نکته اشاره کرده است که در برخی از زبان‌ها مانند فنلاندی ساخت مجهول تنها شامل حذف فاعل از جمله‌ی معلوم است بدون این که مفعول تغییری بکند. چنان که طیب (همان) خاطر نشان ساخته است، حتی اگر بدانیم که فاعل جمله‌های (۲۰۱) یک شخص واحد باشد، باز هم فعل، شناسه‌ی سوم شخص جمع می‌گیرد. البته از طرفی اگر این جمله‌ها شناسه‌ی سوم شخص مفرد بگیرد، به معلوم تبدیل می‌شوند.

۴- او را کشت.

۵- ماشین را دزدید.

چنان که مشاهده می‌شود جمله‌های (۴ و ۵) که با شناسه‌ی مفرد آمده‌اند، از نظر معنایی و کاربرد شناختی با جمله‌های (۲۰۱) متفاوتند. این تفاوت از نظر ساختار اطلاع قابل توجه است. دلیل حذف فاعل در جمله‌های (۴ و ۵) مفروض بودن آنهاست و بخشی از اطلاع کهنه می‌باشند. در واقع در زبان فارسی گروه‌های اسمی که جزء اطلاع جدید نباشند حذف می‌گردند. (رضایی و طیب، ۱۳۸۵)

با این حال در جمله‌های (۲۰۱) حذف فاعل به معنای مفروض بودن آنها نیست و گوینده و شنونده می‌دانند که عامل چه کسی است. این گروه‌های اسمی هم‌چنان دارای (را) بوده و فعل نیز با آنها تطابق پیدا نکرده است. زبان‌شناسان و دستورنویسانی مانند وحیدیان کامیار (۱۳۷۱)، باطنی (۱۳۸۶)، نوبهار (۱۳۷۲)، جباری (۱۳۸۲) و طیب (۲۰۰۱) نیز این نوع ساخت‌ها را مجهول دانسته‌اند. نوبهار معتقد است که جمله‌های مجهول همواره مستلزم ساخت ویژه‌ی فعل مجهول نمی‌باشند، بلکه مجهول بودن فاعل معیاری برای مجهول بودن جمله می‌باشد. (نوبهار، ۱۳۷۲: ۳۲).

پاکروان (۱۳۸۱) در تحلیلی از ساختمان مجهول بر اساس نقش‌گرای هیلیدی چنین ساخت‌هایی را مجهول دانسته و آنها را تحت عنوان جمله‌ی با فعل سوم شخص جمع با فاعل مکتوم نامیده است. او بیان کرده است که بر خلاف دیدگاه دبیر مقدم، ساخت مجهول منحصر به ساختار اسم مفعول + شدن نیست، زیرا مجهول یک نقش است که ممکن است در صورت‌های متعدد آشکار شود.

### ۱.۳.۲. تغییر تعدی و رابطه‌ی آن با ساخت مجهول

این نوع ساخت عبارت است از تبدیل فعل واژگانی در جمله‌هایی نظیر:

الف. علی در را باز کرد. ب. در باز شد.

الف. آن‌ها مرا گول زدند. ب. من از آن‌ها گول خوردم.

از میان کسانی که به صراحت چنین اعتقادی را بیان کرده‌اند، می‌توان به باطنی (۱۳۸۶)، نوبهار (۱۳۷۲) و طیب (۲۰۰۱) اشاره نمود. به دلیل کاهش یافتن ظرفیت فعل از دو به یک (جمله‌های ب) این گونه ساخت‌ها را غیر متعدی می‌نامند. شواهد دیگری در اثبات مجهول نبودن این نوع جملات را می‌توان از مطالعات کریمی (۱۳۷۶) و مگرودومیان (۲۰۰۱) به دست آورد.

در این گویش فعل مجهول به صورت ساخت فارسی معیار، تنها در سوم شخص مفرد و سوم شخص جمع به کار برده می‌شود و طریقه‌ی ساخت آن به این صورت است:

فعل مجهول = شناسه‌ها + فعل کمکی (buden) + صفت مفعولی

فارسی معیار	کوه‌شهری	فارسی معیار	کوه‌شهری
کشته شد	Koštabu	خورده شد	xowrdabu
کشته شدند	koštabuden(d)	خورده شدند	xowrdabuden(d)

صفت مفعولی در ساخت این فعل کاربرد ندارد. در ساخت این افعال علاوه بر شناسه‌ی خود فعل، شناسه‌ی سوم شخص جمع نیز وجود دارد، که این فعل‌ها را از حالت مجهولی در زبان فارسی معیار دور نگه می‌دارد. شناسه در جایگاه فاعلی نامعلوم (ناشناس) آشکار می‌شود؛ به طور مثال فعل «distomšo» اول شخص گذشته‌ی ساده‌ی مجهول است که اگر به فارسی معیار برگردانده شود به این صورت در می‌آید: "آن‌ها مرا دیدند" معلوم نیست چه کسانی مرا دیدند و "آن‌ها" ناشناس هستند. این نوع ساختمان جمله‌های بدون فاعل با شناسه‌ی سوم شخص جمع است و چنان که ذکر شد

دستورنویسان و زبان‌شناسان از آن به عنوان مجهول غیر شخصی یاد می‌کنند. از آن جایی که این گویش فاقد ساخت مجهول اصلی می‌باشد، برای بیان این نوع ساخت از ساخت مجهول غیر شخصی استفاده می‌شود. در سوم شخص مفرد و سوم شخص جمع علاوه بر فعل مجهول زبان فارسی معیار، (ذکر شده در بالا) به صورت ساخت مجهول گویشی (غیر شخصی) نیز نمودار می‌شود.

### ۲.۳.۳. ساختمان فعل مجهول

#### ۱.۲.۳.۳. فرمول ساختمانی حال اخباری مجهول

حال اخباری مجهول = شناسه‌های فعلی حال اخباری + شناسه‌ی سوم شخص جمع

/en/ (نشانه‌ی مجهول) + ستاک حال + a?

کوه‌شهری	فارسی معیار	کوه‌شهری	فارسی معیار
?adinemo	دیده می‌شویم	?adinendom	دیده می‌شوم
?adinento	دیده می‌شوید	?adinendet	دیده می‌شوی
?adinenšo	دیده می‌شوند	?adinendeh	دیده می‌شود

#### ۲.۲.۳.۲. فرمول ساختمانی حال التزامی مجهول

حال التزامی مجهول = شناسه‌های فعلی + شناسه‌ی سوم شخص /en/ (نشانه‌ی

مجهول) + ستاک حال + be

کوه‌شهری	فارسی معیار	کوه‌شهری	فارسی معیار
bedinenmo	دیده شویم	bedinendom	دیده شوم
bedinento	دیده شوید	bedinendet	دیده شوی
bedinenšo	دیده شوند	bedinendeh	دیده شود

### ۳.۲.۳.۲. فرمول ساختمانی حال مستمر مجهول

حال مستمر مجهول = شناسه‌های فعلی + شناسه‌ی سوم شخص /en/ (نشانه‌ی مجهول) + مصدر + پیشوند a?

فارسی معیار	کوه‌شهری	فارسی معیار	کوه‌شهری
دارم دیده می‌شوم	?adistenendom	داریم دیده می‌شویم	?adistenenmo
داری دیده می‌شوی	?adistenendet	دارید دیده می‌شوید	?adistenento
دارد دیده می‌شود	adistenendeh	دارند دیده می‌شوند	?adistenenšo

### ۴.۲.۳.۲. فرمول ساختمانی گذشته‌ی ساده‌ی مجهول

گذشته‌ی ساده‌ی مجهول = شناسه‌ی سوم شخص جمع /šo/ (نشانه‌ی مجهول) + شناسه‌ی فعلی + ستاک گذشته

فارسی معیار	کوه‌شهری	فارسی معیار	کوه‌شهری
دیده شدم	distomšo	دیده شدیم	distinšo
دیده شدی	distišo	دیده شدید	disteyšo
دیده شد	disšo	دیده شدند	distenšo

### ۵.۲.۳.۲. فرمول ساختمانی گذشته‌ی استمراری مجهول

گذشته‌ی استمراری مجهول = شناسه‌ی سوم شخص جمع /šo/ (نشانه‌ی مجهول) + شناسه‌های فعلی + ستاک گذشته + پیشوند a?

فارسی معیار	کوه‌شهری	فارسی معیار	کوه‌شهری
دیده می‌شدم	?adistomšo	دیده می‌شدیم	?adistinšo
دیده می‌شدی	?adisteyšo	دیده می‌شدید	?adisteyšo
دیده می‌شد	?adisšo	دیده می‌شدند	?adistenšo

۶.۲.۳.۲. فرمول ساختمانی گذشته نقلی مجهول

گذشته نقلی مجهول = شناسه‌ی سوم شخص /šo/ (نشانه‌ی مجهول) + شناسه‌های فعلی + ستاک گذشته

فارسی معیار	کوه‌شهری	فارسی معیار	کوه‌شهری
دیده شده‌ام	distehomšo	دیده شده‌ایم	distehinšo
دیده شده‌ای	distehišo	دیده شده‌اید	disteheyšo
دیده شده‌است	distešo	دیده شده‌اند	distehenšo

۷.۲.۳.۲. فرمول ساختمانی گذشته‌ی دور مجهول

گذشته‌ی دور مجهول = شناسه‌ی سوم شخص جمع /šo/ (نشانه‌ی مجهول) + شناسه‌ی فعلی + میانوند a? + ستاک گذشته.

فارسی معیار	کوه‌شهری	فارسی معیار	کوه‌شهری
دیده شده بودم	distaromšo	دیده شده بودیم	distarinšo
دیده شده بودی	distarišo	دیده شده بودید	distareyšo
دیده شده بود	distašo	دیده شده بودند	distarenšo

۸.۲.۳.۲. فرمول ساختمانی گذشته‌ی التزامی مجهول

گذشته‌ی التزامی مجهول = شناسه‌ی سوم شخص /šo/ (نشانه‌ی مجهول) + شناسه‌های فعلی + ستاک گذشته

فارسی معیار	کوه‌شهری	فارسی معیار	کوه‌شهری
دیده شده باشم	distehomšo	دیده شده باشیم	distehinšo
دیده شده باشی	distehišo	دیده شده باشید	disteheyšo

distehenšo	دیده شده باشند	distešo	دیده شده باشد
------------	----------------	---------	---------------

### ۹.۲.۳.۲. فرمول ساختمانی گذشته‌ی مستمر مجهول

گذشته‌ی استمراری مجهول = شناسه‌ی سوم شخص جمع /šo/ (نشانه‌ی مجهول) + شناسه‌های فعلی + ستاک گذشته + پیشوند?a

فارسی معیار	کوه‌شهری	فارسی معیار	کوه‌شهری
داشتم دیده می‌شدم	?adistomšo	داشتیم دیده می‌شدیم	?adistinšo
داشتمی دیده می‌شدی	?adistišo	داشتید دیده می‌شدید	?adisteyšo
داشت دیده می‌شد	?adisšo	داشتند دیده می‌شدند	?adistenšo

### چند نکته‌ی قابل ذکر:

- در فعل‌های مجهول زمان حال، شناسه‌ی سوم شخص (نشانه‌ی مجهول) «en» به کار می‌رود و قبل از شناسه‌ی اصلی فعل قرار می‌گیرد.
- در فعل‌های مجهول زمان گذشته، شناسه‌ی سوم شخص (نشانه‌ی مجهول) «šo» به کار می‌رود و بعد از شناسه‌ی اصلی فعل قرار می‌گیرد.
- زمان گذشته‌ی التزامی مجهول و گذشته نقلی مجهول عیناً مثل هم به کار می‌روند
- زمان گذشته‌ی استمراری مجهول و گذشته‌ی مستمر مجهول کاملاً همانند یک-دیگر به کار برده می‌شوند.

### ۴.۲. عامل سببی

عامل سببی در این گویش عنصر «and» و «ond» می‌باشد که با اضافه شدن به ستاک حال از افعال لازم، فعل متعدی می‌سازد:

کوه‌شهری متعدی	کوه‌شهری لازم	فارسی معیار
tersanden	Tersiden	ترسیدن
bargardonden	bargašten	برگشتن

عنصر «ond» کمتر و عنصر «and» بیشتر به کار برده می‌شود.

## ۵.۲. مصدر

نشانه‌ی مصدر در گویش کوه‌شهری پسوند «-en» است که به ستاک گذشته‌ی فعل افزوده می‌گردد.

## ۱.۵.۲. فرمول ساختمانی مصدر

مصدر = پسوند مصدری + ستاک گذشته:

مصدر کوه‌شهری	پسوند	ستاک گذشته	فارسی معیار
borden	en	Bord	بردن
baliden	en	Balid	بلعیدن
čarbiden	en	Čarbid	چربیدن

## ۲.۵.۲. فهرست مصدرها و مشتقات آن‌ها

در این قسمت فهرست برخی از مصدرهای رایج به همراه اجزای مختلف آن‌ها از قبیل ستاک حال، ستاک گذشته، امر و نهی برای هر مصدر به تفکیک آورده شده است.

مصدر	مصدر گویش	امر	نهی	ستاک حال	ستاک گذشته
آمدن	yahten	beyâ	nayâ	â	yaht
آوردن	yâvorden	beyâr	nayâr	âr	yâvord
انداختن	gesten	begeyz	nageyz	geyz	gest
باختن	bâxten	bebâz	nabâz	bâz	bâxt
بافتن	govten	bogov	nagov	gov	govt
بوسیدن	čokiden	bočok	načok	čok	čokid
پاره کردن	šetdâden	šetbeda	šetnada	šetda	šetdâ
پنهان شدن	patiden	bepat	napat	pat	patid
پیاده شدن	yârkoten	yârbekah	Yârnaka h	yârkah	yârkot
جارو کردن	mošten	bomoš	namoš	moš	mošt
جنیندن	jomiden	bojom	najom	jom	jomid
جویدن	jovten	bejov	najov	jov	jovt
چریدن	čariden	bečar	načar	čar	čarid
چسبیدن	lagiden	belag	nalag	lag	lagid
خاراندن	kovčiden	bokovč	nakovč	kovč	kovčid
خواستن	wâhesten	-----	----- -	wât	wâhest
خوردن	xowrden	boxow	naxow	w	xowrd
دواندن	patâwanden	bepatâwan	napatâwan	patâwan	patâwand
دوختن	dovhten	bodovz	nadovz	dovz	dovht
دوشیدن	dovšiden	bodovš	nadovš	dovš	dovšid
رفتن	rovten	bera	nara	ra	rovt
ریختن	reyhten	bereyz	nareyz	reyz	reyht
ساییدن	sovten	besov	nasov	sov	sovt



lamošt	lamoš	nalamoš	belamoš	lamošten	سرخوردن
šomârt	šomâr	našmâr	bošmâr	šomârten	شمردن
forovht	forovš	naforovš	boforovš	forovhten	فروختن
latza	latzan	latnazan	latbezan	latzaden	کشیدن
gowht	gowz	nagowz	bogowz	gowhten	کندن
kotid	kot	nakot	bokot	kotiden	کوبیدن
get	ge	nage	bege	geten	گرفتن
lamošt	lamoš	----- -	-----	lamošten	لیز
padoht	padov	----- -	-----	padohten	ورم کردن
peymid	peym	napeym	bepym	peymiden	وزن کردن

### ۳. نتیجه‌گیری

در گویش کوه‌شهری فعل در تمام صیغه‌ها و زمان‌ها صرف می‌شود. هم‌چنین صرف فعل در بعضی از زمان‌ها مشترک است. افعال در گویش کوه‌شهری، همانند فارسی معیار، شش صیغه دارد که در همه‌ی صورت‌های فعلی به کار می‌رود. در این گویش، شناسه‌ها در گذشته و حال - جز تعدادی از زمان‌های فعل مرکب که به جزء اول فعل متصل می‌شود - همگی در آخرستاک فعل قرار می‌گیرد و با توجه به لازم، متعدی، ساده و مرکب بودن فعل متفاوت هستند. همه‌ی افعال در این گویش - به جز حال مستمر که با مصدر ساخته می‌شود - با یکی از دو ستاک "حال" یا "گذشته" ساخته می‌شوند. صفت مفعولی در این گویش فقط در ساخت فعل مجهول سوم شخص مفرد و جمع و نیز در کاربرد فعل گذشته‌ی دور به کار می‌رود.

در ساخت فعل کوه‌شهری دو نوع پیشوند وجود دارد: یکی پیشوندهای صرفی و دیگر پیشوندهای ثابت. پیشوندهای صرفی تغییری در معنی ایجاد نمی‌کنند و برای ساختن وجه التزامی، وجه امری و وجه اخباری ( حال اخباری و مستمر و گذشته‌ی

استمراری و مستمر) به کار می‌روند. پیشوندهای ثابت عناصری هستند که با افعال مخصوصی آمده، با همهی صیغه‌ها و شکل‌های صرفی فعل به کار می‌روند. این دسته، طبقه‌ی دستوری بسته‌ای را تشکیل می‌دهد.

افعال کمکی *wâhesten* (?awât) به معنی خواه، فعل کمکی آینده، می‌باشد که در فرمول ساختمانی گروه‌های فعلی همیشه اولین جایگاه را پر می‌کنند.

نکته‌ی قابل توجه در گویش کوه‌شهری این است که صرف فعل مجهول تنها در ساخت سوم شخص مفرد و سوم شخص جمع وجود دارد و صفت مفعولی در ساخت این فعل کاربرد ندارد. در ساخت این افعال علاوه بر شناسه‌ی خود فعل در زبان معیار، شناسه‌ی سوم شخص جمع در گویش نیز وجود دارد، که این فعل‌ها را از حالت مجهولی در زبان فارسی معیار دور نگه می‌دارد. شناسه‌ی سوم شخص به عنوان فاعل نمودار می‌شود، اما به فرد معینی باز نمی‌گردد و دستور نویسان از آن به عنوان مجهول غیر شخصی یاد می‌کنند. به طور مثال /distomšo/ اول شخص گذشته‌ی ساده‌ی مجهول است، که اگر به فارسی معیار برگردانده شود به این صورت در می‌آید: "آنها مرا دیدند" مشخص نیست "آنها" چه کسانی هستند.

کتاب‌نامه:

۱. باطنی، محمدرضا (۱۳۸۶)، توصیف ساختمان دستوری زبان فارسی، تهران: امیر کبیر.
  ۲. پاکروان، حسین (۱۳۸۱)، نگرشی ویژه به نمود مجهول در زبان فارسی، مجله علوم انسانی و اجتماعی دانشگاه شیراز، شماره ۳۵، صص ۳۵-۵۲.
  ۳. جباری، محمدجعفر (۱۳۸۲)، تفاوت مجهول در زبان‌های فارسی و انگلیسی، مجله زبان‌شناسی، شماره ۳۵، صص ۷۸-۹۴.
  ۴. رضایی، والی و محمد تقی طیب (۱۳۸۵)، ساخت اطلاعات و ترتیب سازه‌های جمله، مجله‌ی دستور، ویژه نامه‌ی نام‌های فرهنگستان، صص ۳-۱۹.
  ۵. فرهنگ جغرافیایی آبادی‌های استان کرمان (شهرستان منوجان) (۱۳۸۲)، سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح، تهران: انتشارات سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح.
  ۶. کریمی، سیمین (۱۳۷۶)، از ژرف‌ساخت تا ساخت منطقی و نظریه مینمالیست، مجله زبان‌شناسی، ش ۲۳ و ۲۴، صص ۴۷-۹۵.
  ۷. نوبهار، مهرانگیز (۱۳۷۲)، دستور کاربردی زبان فارسی، تهران: رهنما.
  ۸. وحیدیان کامیار، تقی (۱۳۷۱)، بررسی صفت مفعولی و اهمیت آن در زبان فارسی، شماره‌ی دوّم، (سال نهم).
9. Keenan, Edward L. (1985) "Passive in the world's languages." In Shopen, ed., Vol.I, 243-8.-Megerdooimian, Karine (2002) *Beyond Words and Phrases: A Unified Theory of Predicate*
10. Song, J.J. (2001) *Linguistic Typology*. London: Longman.
- Tayyeb, S.M.T.(2001) "A Functional-Typological approach to passive in contemporary